

## سرزمین تاریخی ضلع متحدہ پورنیا و فارسی دانی

عبدالعلیم اخگر\*

سرزمین جنت‌نشان ضلع متحدہ پورنیا، یکی از اضلاع سرسبز و شاداب و پرآب و رنگ و بوی استان بهار کشور هند است که از لحاظ زرخیزی زمین، آب و هوا، تاریخ و ادبیات و فرهنگ و شیوہ میهمان‌نوازی و پذیرایی آنان نظیری ندارد. با وجود این اوصاف حمیدہ کہ داراست بہ سبب نا آگاهی عمومی پژوهشگران از تاریخ پر عظمت و دور بودنش از مرکزهای علمی و ادبی مقام مناسب و حائز اهمیت را در میان مردم روشنفکر نتوانست برای خود پیدا کند و مورد بی‌اعتنایی و بی‌توجهی عموم گشت. از آثار پراکنده، بناهای شکستہ تاریخ و خرابه‌های موجود آن برمی‌آید کہ این ضلع از سال‌های ۱۹۰۵-۱۷۱۱ میلادی و روی هم رفته قبل از استقلال هند در سال ۱۹۴۷ میلادی باهم بودند بلکه خیلی کم از اضلاع هند هستند کہ بہ پای بزرگی آن برسند. هرگوشہ آن شواہد آثار تاریخی هنوز باقیست کہ می‌تواند مورد استفادہ دانشجویان رشتہ ادبیات و تاریخ باشد.

تاریخ هند و مورخان تاریخ هند باستان بر این باورند کہ بہار از نظر عظمت، بزرگی و قدمت و نیز از لحاظ تاریخ پرشکوہ گذشتہ کمتر از استانهای دیگر هند نیست و تاریخ باستانی این ایالت از همان زمان شروع می‌شود کہ تاریخ هند آغاز می‌گردد. براساس بعضی نوشته‌ها و کتاب‌های معتبر دینی اهل ہنود (وداہا) وجود ہندوستان

\* دانشیار بخش فارسی جامعہ ملیہ اسلامیہ، دہلی نو.

۱. ضلع متحدہ پورنیا، فعلاً در چہار ضلع منقسم است: پورنیا، کیمہار، کیشن گنج و آرزبیا. ان‌شاءاللہ در مفاصل دیگری دربارهٔ سہم و گسترش دادن زبان فارسی آنان یکی یکی صحبت خواہد شد.

(آرياروت) هزاران سال قبل از پيدايش عالم به ظهور آمده است. اگر اين دليل را معتبر مى‌شماريم پس وجود هند به اعتبار آفرينش از تمام عالم قديم‌تر خواهد بود و اگر هند از تمام عالم قديم‌تر محسوب شود، پس ايالت بهار نيز به همان اندازه قديم است و همچنين ضلع پورنيا نيز چون ريشه قدمتش به وجود تاريخ هند مى‌رسد. بهر حال ضلع پورنيا يك سرزمين تاريخى هند به شمار مى‌رود و در زمان‌هاى دور مسكن صدها قوم و نسل و پايتخت پادشاهان قديم و عهد وسطى بوده است. اقوامى كه در اين سرزمين پهناور ايالت بهار اقامت گزيده‌اند از اين قراراند: قوم راج هنسى، كيرات، جين، بهيل و پول... علاوه بر اين گروهى از نسلهاى آريايى به نام پندارى و انگانه كه از طرف كوه هماله آمده سكونت اختيار كرده بودند و از تاريخ پورنيا شواهدى دلالت بر آن مى‌كند كه تقريباً ۷۰۰ سال قبل از ظهور حضرت عيسى اين قوم‌ها بر پورنيا (پورنيه) حكم فرمايى مى‌كردند.<sup>۱</sup> از آن جمله خرابه‌هاى عمارت تاريخى ۲۵۰۰ ق. م. مانند خرابه دهرهرا، اسوره گره،<sup>۲</sup> برى جان گره، بينو گره، تاكهنا گره، قلعه راجا<sup>۳</sup> بيرات و رانى<sup>۴</sup> كرتى و راجا كرن و بهيم بهاله، به‌طور خاص قابل ذكر هستند و كسانى كه چشم بصيرت دارند صدها سامان عبرت در آن مكان‌ها براى ايشان وجود دارد و به مصداق

مصراع:

آثار پديد است صناديد عجم را

به‌رحال در زمان‌هاى قديم در پورنيا از نام «مچه ديس» يعنى استان ماهى‌داران، «كيرات ديس»، «انگا ديس» ياد مى‌شد. همچنين از گذشته بسيار دور «درست جگ» واقعه ظاهر شدن يكي از خدايان كه پيروان دين هندو به آن عقیده دارند به‌صورت شير از منارى اتفاق افتاده بود و آن منار در سرزمين پورنيا وجود دارد و جايى كه اين منار قرار دارد با نام «منار مانك تهام» ياد مى‌شود. همين‌طور قهرمان داستان رزمى مهابهارتا، هر پنج برادر خانواده «پاندو» در زمان تبعيد و جلای وطن در دربار و قلعه شاه بانو

۱. «اهميت تاريخى پورنيه» از پندت كرتيانند بيوگى، مجله انسان، پورنيه نمبر، ژانويه ۱۹۵۵ ميلادى.

۲. گرد به معنى قلعه به‌كاربرده شده است.

۳. راجا يعنى پادشاه.

۴. رانى يعنى شاه بانو.

کرتی پناه یافته بودند و در حال حاضر این قلعه در منطقه «بهادر گنج» که قبل به ضلع پورنیا پیوسته بود هنوز وجود دارد و جایی که یکی از برادران «پاندو» به نام «بهیم» استراحت نموده بود به نام «بهیم نکیه» یعنی باش بهیم خوانده می‌شود و من با چشم خود آنجا را دیده‌ام.

علاوه بر آن، قبل از تولد مسیح، پادشاهی مگد (Magadh) یعنی بهار فعلی بر عهده بهیم بسار بود که گوتاما (بودا) در زمان او متولد شده بود. بعد از آن سمندر گُپت حکومت را در دست گرفت و تقریباً ۶۴۷ سال پادشاهان پیروان دین بودا بر آن سرزمین پادشاهی کردند. بعد از آن از تاریخ پورنیا اطلاعی در دست نیست. ولی از سال ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ میلادی دودمان «پالاه» و «سینا» بر این خطه حکمرانی می‌کردند و از سال ۱۲۰۰ میلادی به بعد به تصرف پادشاهان مسلمان درآمد و تا سال ۱۷۱۲ میلادی ادامه یافت.<sup>۱</sup>

بعد از ورود پادشاهان مسلمان به هند، دودمان غزنوی‌ها، مملوک‌ها، خلجی‌ها، لودی‌ها و روی هم رفته مغول بر سرزمین هند حکمرانی کرده‌اند و کم و بیش همه این خاندان‌ها از حامیان زبان و ادبیات فارسی بوده‌اند و در نتیجه تشویق و نوازشی که نسبت به شاعران و علما و فضلا و ادبا روا داشتند تعداد زیادی از شاعران و نویسندگان و صاحبان فضل و کمال از مناطق مختلف جهان اسلام به سرزمین هند وارد شدند و خدمات شایانی در زمینه ادبیات و تاریخ انجام دادند. ضلع پورنیا نیز از فیض‌شان بی‌نصیب نماند.

قبل از همه بختیار خلجی فاتح مناطق شرقی هند، ایالت بهار را به تصرف خود آورد و بنابر بعضی از شواهد، ظهور اسلام در این منطقه هند، از زمان بختیار خلجی آغاز گردید. از سلطان قطب‌الدین ایبک تا دوره شاه داود خان که یکی از شاهان خود مختار و مستقل بود، «خاص پور تاندا» را به عنوان پایتخت خود انتخاب کرد. «خاص پور تاندا» هم‌اکنون در ضلع مالده در ایالت بنگال است ولی در آن وقت یکی از مضافات پورنیا بود و اهمیت آن نیز مانند «لکهنوتی (گور)» و «پندوا شریف» بوده است که

۱. پورنیه در عهد گذشته "از مجلهٔ اسان، پورنیه نمبر، ژانویه ۱۹۵۵ میلادی.

سلاطین خود مختار و مستقل و آزادی مانند محمد خان، خضر خان، جلال‌الدین خان، تاج خان کریانی، سلیمان خان کریانی، بایزید خان کریانی و داود خان افغان آنجا را به‌عنوان پایتخت خود انتخاب کرده بودند.

در زمان پادشاه مغول، پورنیا به‌عنوان «سرکار سرحدی» یعنی «دولت نظامی حد فاصل» ایالت بنگال و بهار بود. بنابراین برای حفاظت و نگهداری ایالت بهار در پورنیا، فوجداری (استانداری) از جوانب سلطنت‌های مرکزی مأمور می‌شد. اگرچه این فوجداران از لحاظ مقام و منزلت نسبت به‌استانداران کم‌رتبه بودند ولی باز هم بعضی از ایشان کارهای دولتی را با شأن و شکوه تمام انجام می‌دادند و به‌سبب قدرت و نفوذشان از لحاظ قوای لشکری خودسر و خودمختار بودند و به‌طور آزادانه و بدون دخالت دولت مرکزی کارهای دولتی را انجام می‌دادند و تا سال ۱۷۷۰ میلادی بر این منطقه با نظم و انضباط دقیق حکمرانی کردند. از میان معروف‌ترین و پراستعدادترین فوجداران پورنیا می‌توان از نواب معین‌الدین سیف خان که سیف گنج (شهر کتیه‌هار فعلی) را آباد کرد، نواب احمد سعید صولت‌جنگ (۹-۱۱۶۱ هـ) و فرزندانش شوکت‌جنگ (۷۰-۱۱۶۹ هـ)، مهین یار خان، خادم حسین خان، میر قاسم خان و شیر علی خان نام برد. تقریباً ۱۷ فوجدار بر پورنیا حکومت کرده‌اند و قیاس می‌رود که در زمان ایشان ضلع پورنیا تماماً جولانگاه زبان و ادبیات فارسی گشته بود چون وجودشان در دربار، لازمهٔ دربار تصور می‌شد. این به‌سبب آن بود که علما و فضلا، ادبا و شعرائی برجسته و وابسته به‌دربار ایشان بودند و خدمات گرانقدری را در زمینهٔ زبان و ادبیات فارسی انجام می‌دادند. فوجداران پورنیا به‌خصوص صولت‌جنگ از صاحبان کمال و ادیبان در هر زمینه بسیار دلجویی می‌کرد. حضور مورخ معروف نویسنده «سیر‌المآخرین» سید غلام حسین در دربار صولت‌جنگ بر قدردانی او از صاحبان فضیلت دلالت می‌کند. چون او در برابر خدمت این مورخ «پرگنهٔ سری‌پور» را به‌موصوف سپرد که به‌طور مستقل بر آن حکمرانی می‌کرد. غلام حسین راجع به‌قدردانی و نوازشی که نسبت به‌او نشان داده شده و برای دیگران هم بود در «سیر‌المآخرین» به‌تفصیل سخن گفته است و می‌نویسد که:

«بر فقیر نهایت نوازش داشت. تأکید کرده بود که در آن وقت هم حاضر شوم و

از استماع سخنان من بسیار خوش بود و در سفر و حضر به‌ضرورت با دیگران

سخن می‌گفت و آلا همه وقت مکالمه با فقیر و روی سخن و گوش سماعت به‌سوی من داشت به‌نحوی که دیرینه رفقای کهن سال او حیرت داشتند که این جوان چه سحر به‌کار برده است که با غیر او التفاتی ندارد.<sup>۱</sup>

ضمناً عرض شود که سیرالمتأخرین در سه جلد است و تاریخ مبسوط و مفصل و مستند هند به‌شمار می‌رود و به‌قول نویسنده تاریخ هند، نل، اقتباسات زیادی در تاریخ هندوستان از آن شده است<sup>۲</sup> و جلد دوم این کتاب مشتمل بر تاریخ بنگال و بهار و اوزبکستان است و تقریباً ۳۵۰ صفحه دارد.

به‌هرحال از تاریخ سیرالمتأخرین برمی‌آید که مباحثه علمی و شعر و سخن در دربار صولت‌جنگ همواره در جریان بود و او از سخنان علما و ادبا و شعرا خیلی لذت می‌برد و آنها را مورد نوازش فراوان قرار می‌داد. علما و ادبای معروف دیگر که وابسته به‌دربارش بودند از این قبیل اند: ملأ غلام یحیی، مفتی ضیاء‌الدوله، میر وحید، مولوی لال (عل) محمد، شیخ هدایت‌الله و سید عبدالهادی<sup>۳</sup>... و مشعل‌هایی که پادشاهان و امیران و فوجداران تا به‌سال ۱۷۷۰ میلادی در سرزمین پورنیا و ایالت بهار روشن نگاه داشته بودند بعدها هم با همان تابناکی روشن ماند و نور لوزان آن مشعل، شاعران و نویسندگان دیار پورنیا را تشویق می‌نمود تا در راه غنی کردن سرمایه ادبیات فارسی و راه پیشرفت و ترقی آن گام بردارند. در نتیجه آن شاعران و نویسندگان برجسته از این سرزمین سرسبز و شاداب و جنت‌نشان برخاستند، و خدمات شایانی در زمینه ادبیات فارسی انجام دادند.

یکی از این شاعران برجسته مولوی عبدالعزیز بود. این شاعر بزرگ در هردو زبان فارسی و اردو شعر می‌سرود و دیوانی در فارسی از خود به‌یادگار گذاشته است. او عزیز تخلص می‌کرد. کتبات عزیز می‌جموعه کلام اوست که مشتمل بر بیش از ۲۰۰ صفحه است. در ناحیه «پلاس منی» چشم به‌جهان گشود و پسر الحاج منشی فرید

۱ طباطبایی عظیم‌آبادی، نواب سید غلام حسین بن نواب میر هدایت علی خان طباطبای: سیرالمتأخرین، ص ۶۰۰.

۲ پرواز اصلاحی: «دیار پورنیه مین چند ماه»، محله انسان، پورنیه نمبر، زانویه ۱۹۵۵ م.

۳ سیرالمتأخرین، ص ۶۰۰.

بخش قاضی معروف پلاس منی در بهادر گنج بود. تعلیمات مقدماتی خود را نزد پدر آموخت و در سال ۱۸۸۸ میلادی از دانشکده پورنیا فارغ‌التحصیل شده، مدیر مدرسه دانشگاهی University College شد و متأسفانه فقط ۳۰ سال زندگی کرد. از آغاز عمرش شعر می‌سرود و در جوانی به‌عنوان شاعری قادرالکلام مشهور گشت. گاه‌گاهی در زبان اردو نیز شعر می‌سرود. نمونه کلامش که از کلیات عزیزی انتخاب شده است از این قرار می‌باشد و خواننده شعرشناس تسلط او را در زمینه‌های هنر سخنوری از روی این نمونه به‌درستی درمی‌یابد:

بیا ساقی به‌جانم ریز باده دمبدم اکنون

که جز یزدان نداند هیچ کس احوال فردا را

\*

در حیرتم که جان به‌جانان نمی‌رسد در حسرتم که دست به‌دامان نمی‌رسد  
چون روز شد سفید مرا مشک سا لیکن شب فراق به‌پایان نمی‌رسد  
محروم مانده‌ایم ز لعل گهر فشان آری که گنج شنه به‌گدایان نمی‌رسد

\*

چهره آن گل‌غذارم آرزوست مرهمی سینه فگارم آرزوست  
تربتم در کوی تو باید مرا همچنین لیل و نهارم آرزوست  
این گل و گلشن چه کار آید مرا بوسه آن گل‌غذارم آرزوست

از رخ دلبر گل و گلزار یاد آید مرا  
از مه و خورشید آن رخسار یاد آید مرا  
در گلستان چون روم از بهر گلگشت چمن

از نهال سرو قد یار یاد آید مرا  
پا به‌زنجیری شدم در کاکل و موی صنم  
کز شمیمش نافه تاتار یاد آید مرا  
نیست باقی در وجودم در غمش جز استخوان

از رگ من تار زلف یار یاد آید مرا  
چون روم در باغ جنت بعد مردن ای عزیز  
هم در آنجا این گل و گلزار یاد آید مرا

یکی دیگر از شاعران برجسته آن دیار حضرت مولانا محمد حفیظ الدین بود. مولانا ذوق فراوان شعرسرایی داشت و لطیفی تخلص می کرد. اهل «رسول پور» در ناحیه پورنیا بود و تعلیم مقدماتی خودش را در زادگاهش به انجام رسانیده برای تحصیل عالی عازم «پتنا» شد و بعد از فراگرفتن تعلیم در پتنا به دهلی آمد و مدرک قضیلت را به دست آورد و به حلقه مریدان حضرت خواجه لطیف قدس سره درآمد و به همین مناسبت لطیفی تخلص می کرد. او نه فقط عالمی برجسته بود بلکه یک صوفی و درویش با کمال نیز بود. در هردو زبان فارسی و اردو تسلط و ید طولی داشت و مهارتی در زمینه نثر نیز نشان داد. صاحب دیوان بود و دیوان فارسی اش شامل ۵ غزل و یک خمسه به زبان اردو نیز هست و مشتمل بر ۱۵۲ صفحه است. در آخر دیوان زندگی نامه مختصری این شاعر مندرج است. در سال ۱۳۳۳ هجری چشم از جهان بست و مولانا شرف الدین قدس سره از تکیه لطیفه گانگی. تاریخ وفاتش را نوشته است که از شعر زیر برمی آید:

شرف گفت سال وصالش به زاری بهرب جهان رفت جان لطیفی

نمونه کلام فارسی این شاعر بزرگ که از دیوان لطیفی انتخاب شده بدین قرار است:  
ای خوشا مردی که گشت از وحدت جبار مست

بی هوای نفس اندر طاعت غفار مست

آفرین چشمی که آن گریان او باشد مدام

صرحبا آن دل که اندر سوزش آن یار مست

خوش تنی کز طاعتی دور از ریا رنگی گرفت

ای خنک جانی که گشت از باده اسرار مست

مولانا عارفی کامل بود و عارفانه شعر می سرود چنانکه از شعرش برمی آید مسلکش صلح کل بود و به جنگ و جدال مردم کاری نداشت. به مرحله وحدت الوجود رسیده بود که در آنجا فرق بین تسبیح و زنار نابود می شود. شعری که در این زمینه سروده است ملاحظه فرمایید:

فارغان را با کسی هرگز خلاف و جنگ نیست

جاهلان هر ساعتی اندر خلافند و شقایق

\*

عاشقا! تسبیح و زنار یکی شد بیشکی مذهب تو عشق آمد مشرب تو اشتیاق

به‌مرحال، علاوه بر دیوان لطیفی، او مکتوب فارسی که شامل ۴۴ مکتوب می‌باشد، دارد و مشتمل بر ۷۸ صفحه است. دیوان لطیفی در سال ۱۳۳۸ هجری در مطبع رحمانیه «مخصوص پور» چاپ شده است.

مکتوباتش به‌کوشش حضرت مولانا عابد چندی‌پوری در سال ۱۹۳۸ میلادی در چاپ سلیمانی، محله گای گهات در بنارس منتشر شده است.

علاوه بر شاعران معروفی که برشمردیم، شاعران معروف دیگری که صاحب دیوان هم هستند از سرزمین پورنیا برخاسته‌اند و اشعاری عالی‌پایه را سروده‌اند. تعداد زیادی از شاعران و نویسندگان و مورخان نیز هستند که آثار مطبوعه و غیر مطبوعه دارند ولی ما از کارهای آنان بی‌خبر هستیم و باید با آن کارها آشنایی پیدا کنیم تا خدماتی که ایشان در زمینه زبان و ادبیات فارسی انجام داده‌اند و با کوشش شاعران آن را غنی‌تر ساخته‌اند به‌فراموشی سپرده نشود.

### منابع

۱. اکمل یزدانی جامعی: پورنیه پر فوجدارون کی حکومت، جنرل پرنٹنگ پریس، کشن گنج پورنیه، ۱۹۹۳ م.
۲. بیوگی، پندت کرتیاند: "اهمیت تاریخی پورنیه"، مجله انسان، پورنیه نمبر، ژانویه ۱۹۵۵ م.
۳. پرواز اصلاحی: "دیوار پورنیه مین چند ماه"، مجله انسان، پورنیه نمبر، ژانویه ۱۹۵۵ م.
۴. طباطبایی عظیم‌آبادی، نواب سید غلام حسین بن نواب میر هدایت علی خان طباطبای (م: ۱۲۳۰/هـ ۱۸۱۵ م): سیرالمتأخرین، مطبع نولکشور، لکهنو، ج ۲.
۵. فوق بلگرامی، سید اولاد حیدر: تاریخ جدید صوبه اوریسه و بهار، مطبع اکبری، پتنا، آوریل ۱۹۱۵ م.
۶. هملتن، یوکلن: پورنیه رپورت، ۱۸۰۸ م.